

ورزش‌هایی که نمی شناسیم

آشنایی با چند ورزش رسمی که فدراسیون و مسابقات جهانی دارند اما اسمشان به گوش خیلی هایمان نخورده است

پرونده

شما جزو کسانی هستید که ته‌ته‌فعالیت بدنی‌شان به تماشای فوتبال از تلویزیون ختم می‌شود و از کل ورزش‌های جهان سه، چهار تارشته معروف را می‌شناسند؟ یا جزو خوره‌های ورزشی هستید که از هر رشته‌ای سرشته‌ای دارند، هیچ مسابقه تلویزیونی ورزشی را از دست نمی‌دهند و قوانین مسابقات سوار کاری و شمشیربازی و تنیس را به خوبی والیبال و فوتبال می‌شناسند؟ جزو هر گروهی که باشید، باید برای تان جالب باشد

کرلینگ (curling)

جاروبرقی روی یخ

چند نفر وسیله‌ای کروی شبیه به جاروبرقی روباتیک را روی سطحی یخی سُرمی دهند؛ این خلاصه ورزش کرلینگ است البته خلاصه‌ای یخ و بی‌حس و حال. کرلینگ را اگر نوی تلویزیون دیده باشید، احتمالاً حسی شبیه به این تعریف بهتان دست داده اما این ورزش زمستانی آن قدرها هم که به نظر می‌رسد، لوس و بی‌مزه نیست. بازیکنان کرلینگ در دو تیم چهارنفره (بایک ذخیره)، باید سنگ گرانیتی تقریباً ۲۰ کیلوپی را به سمت خانه هدایت کنند. یک نفر مسئول ضربه زدن به سنگ است. سنگ، حین حرکت آثاری میکروسکوپی روی یخ به جا می‌گذارد که باعث اصطکاک و حرکت انحنادار آن روی پیست می‌شود. دو نفر دیگر از بازیکنان با جارو کردن مسیر پیش روی سنگ، آن را صیقلی می‌کنند تا اصطکاک کاهش یابد و سنگ در مسیر مدنظرشان به طرف خانه حرکت کند و در نزدیک‌ترین دایره به آن، جا بگیرد. آن‌ها همچنین وظیفه کنترل کردن سرعت سنگ را برعهده دارند. پرتاب کننده هم باید حواسش باشد سنگ را طوری نشانه‌گیری کند که راه سنگ تیم حریف را مسدود یا آن را از مسیر خارج کند. همه این کارها به محاسبات دقیق ریاضی و فیزیک نیاز دارد. کرلینگ، خلاف آن چه به نظر می‌رسد نه روی شانس و اقبال می‌چرخد و نه ورزش تنبل هاست. بابت محاسبات دقیق‌اش به سطح نخبی یخی معروف شده و بازیکنانش به دلیل صرف نیروی زیاد طی یک تمرین، ممکن است تا حدود دو کیلو وزن کم کنند. بازی در هشت دور انجام می‌شود و گروهی که بیشترین امتیاز را براساس میزان نزدیکی سنگ‌ها به خانه به‌دست بیاورد، برنده است. شاید فکر کنید کرلینگ ناشنیده و نادیده، جزو ورزش‌های تازه است که نمی‌شناسیدش اما قدمت این رشته به قرن چهاردهم میلادی می‌رسد و از سال ۱۹۹۸ به‌صورت رسمی وارد رقابت‌های المپیک زمستانی شده‌است.



بولس (Bowls)

بولینگ خاکی و فروتن

اگر همین الان چندتا گوی بردارید و به زمین خاکی، ماسه‌ای یا چمن نزدیک خانه‌تان بروید، می‌توانید ورزش بولس (بولز) را تجربه کنید. البته به همین سادگی که ما گفتیم هم نیست ولی اصولاً بولس را می‌شود جزو ورزش‌های خاکی و متواضع و بدون دنگ‌وفنگ به‌شمار آورد. چند گوی فلزی توخالی و یک توپ کوچک عمدتاً چوبی به‌نام «جک»، همه ابزار موردنیاز برای این ورزش است. بازیکنان جک را در فاصله پیش از شش و کمتر از ۱۰ متر و بعد توپ‌های فلزی را به سمت جک پرتاب می‌کنند. تیمی که توپش به جک نزدیک‌تر باشد، برنده بازی است. برای تقریب به ذهن شاید بتوانیم با اغماض بگوییم که بولس ترکیبی است از بولینگ و تیله‌بازی خودمان و بهرغم اسم و رسم عجیب‌اش، باید بگوییم که ورزش جدیدی نیست و ریشه‌اش به حدود قرن ششم پیش از میلاد در یونان باستان برمی‌گردد. بعدها شکل به‌روز شده‌اش سر از فرانسه درآورد و از آن‌جا به دیگر کشورها معرفی شد. فدراسیون جهانی بولس در «مارسی» فرانسه است و هر سال مسابقات آن به‌صورت رسمی برگزار می‌شود. بولس ۱۲ سالی است که در ایران هم جای خود را باز کرده‌است. مدتی، زیرمجموعه فدراسیون بولینگ و بیلارد بود، بعد به فدراسیون ورزش روستایی و بازی‌های بومی محلی واگذار شد و چندین دوره مسابقات قهرمانی کشوری هم به‌خود دید. درباره ورود این ورزش به ایران گفته می‌شود که حدود ۲۰ سال پیش فردی اصالتاً شیرازی به‌نام آقای قربان‌پور که در یکی از کشورهای آسیای شرقی باشگاه ورزشی داشت، با بولس آشنا شد. ماجرا از این قرار است که گوی‌های این رشته ورزشی عمدتاً در کشورهای آسیای شرقی تولید و همین موضوع زمینه‌ساز آشنایی آقای قربان‌پور با بولس و ورود این ورزش به ایران می‌شود.



که بدانید دنیای ورزش خیلی وسیع‌تر از چیزی است که ما فکر می‌کنیم. وقتی می‌گوییم ورزش، منظورمان فعالیت‌های بدنی من درآوردی نیست که هر کشور و محله و منطقه‌ای برای سرگرمی و متناسب با فرهنگ خودش دست‌وپا کرده‌است بلکه داریم از رشته‌های ورزشی رسمی دارای فدراسیون و مسابقات بین‌المللی حرف می‌زنیم که با این حال، اسم خیلی‌هایشان به گوش‌مان هم نخورده‌است. مثل چی؟

فریزبی (Frisbee)

پرتاب بشقاب

فریزبی را اتوی فیلم‌های خارجی و پارک و سیزده‌به‌درهای خودمان زیاد دیده‌اید اما می‌دانستید این بازی سرگرم‌کننده، یک رشته ورزشی رسمی است؟ فریزبی درواقع اسم ابزار موردنیاز این ورزش یعنی صفحه‌پلاستیکی مدوری است که به دلیل وزن و طراحی‌اش می‌تواند تا مدتی روی هوا معلق بماند و مسافتی را طی کند. از آن جایی که حدود ۴۰ نوع سبک بازی مختلف در این ورزش وجود دارد، توضیح دادن چگونگی انجامش ساده نیست. تعجب کردید؟ فکر می‌کردید فریزبی یعنی پرتاب کردن دیسک به طرف همدیگر، بدون هیچ قاعده‌قانونی؟ البته که این‌طور نیست. به‌طور کلی هفت سبک فریزبی از سوی فدراسیون جهانی به‌رسمیت شناخته می‌شود، از جمله «آلتیمیت» که در آن دو تیم ۵ تا ۷ نفره با هم رقابت می‌کنند. به این ترتیب که کاپیتان‌ها فریزبی می‌اندازند و گروه مهاجمان و مدافعان را مشخص می‌کنند. بعد مدافعان در ناحیه گل مستقر می‌شوند و مهاجم‌ها در حالی که یک پای‌شان روی خط ابتدایی ناحیه گل است و پای دیگرشان در زمین بازی، آماده دریافت می‌شوند. بازی با پاسکاری و گل و تعویض زمین ادامه پیدا می‌کند و با رسیدن یکی از تیم‌ها به امتیاز ۱۷ تمام می‌شود. نکته جالب آن که مسابقات آلتیمیت، داور ندارد و همه چیز به روحیه ورزشی و انصاف بازیکنان متکی است. ایده اولیه این ورزش، دهه ۵۰ میلادی به‌ذهن یک آمریکایی به‌نام «التر فردریک موریسون» رسید که در یک دورهمی خانوادگی با پرتاب بشقابی کوچک سعی داشت سر خودش و دیگران را گرم کند. موریسون بعدها حق امتیاز این دیسک را به یک شرکت اسباب‌بازی فروخت و کم‌کم توجهات به فریزبی جلب شد. سال ۱۹۸۵ فدراسیون جهانی این رشته در سوئد تأسیس شد و اواخر دهه هشتاد بود که با تأسیس انجمن فریزبی به‌عنوان یک رشته ورزشی رسمی در ایران هم شناخته شد.



سپکتکرا (Sepaktakraw)

والیبال در هوا

سپکتکرا در این فهرست جزو خوش‌شانس‌ها به‌شمار می‌رود چون دست کم بعضی‌های تان اسمش را شنیده‌اید اما اگر قرار باشد چندتا ورزش با توپ و تور نام ببرید، بعید است جزو اولین گزینه‌های تان باشد؛ والیبال و بسکتبال و فوتبال، بازار را قبضه کرده‌اند! سپکتکرا اگر چه از این رشته‌ها شهرت کمتری دارد اما ورزش تازه‌ای نیست. گفته می‌شود ریشه‌اش به قرن پانزدهم در مالزی می‌رسد و بعد از جنگ جهانی دوم به دیگر کشورها راه پیدا می‌کند. والیبال با‌پا، لقبی است که به این ورزش داده‌اند چون در آن، توپ به‌جای دست با پا (درواقع هر عضوی از بدن، غیر از دست) از تور عبور داده می‌شود. سپکتکرا در زمینی با ابعاد زمین بدمinton و توری به همان ارتفاع بازی می‌شود و قوانین امتیازگیری‌اش شباهت زیادی به والیبال دارد. هر تیم سه بازیکن (ویک ذخیره) دارد که در سه ست ۲۱ امتیازی با هم رقابت می‌کنند. در سال‌های اولیه معرفی و شهرت این رشته، بیشتر بازیکنانش را فوتبالیست‌ها تشکیل می‌دادند که به دلیل مهارت داشتن در انجام حرکات ورزشی با‌پا، از عهده شوت‌های ارتفاع‌دار برمی‌آمدند. با این حساب می‌توان گفت سپکتکرا در شکل امروزی‌اش – که در آن توپ فایبرگلاس، جای خیزران و بامبورا گرفته و قانون بر آن حاکم شده – وامدار والیبال، فوتبال و بدمinton است. البته بی‌شبهت و ارتباط با آکروبات هم نیست؛ بالا بردن و ضربه زدن به توپ در هوا، وجهی نمایشی و جذاب به این ورزش می‌دهد. سپکتکرا در کشورهای آسیای شرقی، حسابی طرفدار دارد؛ فدراسیون جهانی‌اش در بانکوک است و تایلند و مالزی و اندونزی و ویتنام و فیلیپین از مدعیان قهرمانی جهان هستند. در ایران هم حدود ۲۰ سالی است که انجمن سپکتکرا و مقام‌های آسیایی و جهانی داریم.



منابع: ۱.سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران، ۲.iranecoonomist.com، ۳.سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران، ۴.فهرست اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران، ۵.فهرست اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران، ۶.فهرست اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران، ۷.فهرست اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران، ۸.فهرست اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران، ۹.فهرست اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران، ۱۰.فهرست اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران

ZENDEGI-SALAM

ضمیمه روزنامه خراسان

پنج شنبه ● ۲ تیر ۱۴۰۱
 ۲۲ دی القعدۀ ۱۴۴۲ ● ۲۳ ژوئن ۲۰۲۲

شماره ۲۰۹۶۸

۲۱۸۸

گپی با عضوی از تیره پوست‌ترین

قبیله دنیا

آشنایی با قبیله «آنواک» که به‌عنوان تیره ترین گونه رنگین پوست در جهان شناخته می‌شود، از طریق گفت‌وگو با یکی از اعضای قبیله

«آنواک» که با نام‌های «آتیواک» و «آتیوا» هم شناخته می‌شود، به گروهی از قبایلی گفته می‌شود که در حاشیه ساحل یارودخانه‌ها در کشور سودان زندگی می‌کنند. این قبایل، از خوشه «لو»، در بخش‌هایی از شرق آفریقا و عمدتاً در روستاهای واقع در امتداد سواحل و رودخانه‌های جنوب شرقی کشور سودان جنوبی و همچنین جنوب غربی اتیوپی، به‌ویژه منطقه «گامبلا» زندگی می‌کنند. «آنوواک» در لغت به‌معنای «به اشتراک گذاشتن»، از قدیمی‌ترین قبایل این منطقه است که با پوست تیره‌اهالی‌اش شهرت جهانی پیدا کرده‌است. در سال ۱۹۵۸ تخمین زده شد که جمعیت‌شان ۳۰ تا ۴۰ هزار نفر است و دوسوم آن‌ها در اتیوپی زندگی می‌کنند. در مینی‌پرونده‌امروز با «جی‌جو» یکی از جوانان اهل آنوواک که با اواز طریق فیس بوک آشنا شدم، هم‌صحبت می‌شوم.

🕯 **دولت اتیوپی ما را بهرسمیت نمی‌شناسد**

«جی‌جو» که عاشق موزیک و خوانندگی در سبک رپ است، درباره بافت جمعیتی و کارروانه مردم آنیواک می‌گوید: «جامعه این‌جا، سال‌هاست که به‌عنوان یک جمعیت بومی توسط دولت به حاشیه رانده شده‌است. مردم من از طریق کشاورزی، شکار، ماهیگیری، دامداری و کار در معدن طلا و آهن، امور روزمره خود را می‌گذرانند. البته عمده ساکنان، کشاورزان و دامدارانی



هستند که ذرت، لوبیا و تنباکو می‌کارند یا گاو، بز و مرغ پرورش می‌دهند. حیات وحش این منطقه به‌ویژه فیل‌ها، گاو میش‌ها و... ظرفیت بسیار زیادی در جذب گردشگر دارد. رژیم غذایی ما عمدتاً از آرد، گوشت ماهی و مرغ تشکیل شده‌است. قبیله ما منشأ زبانی مشابهی با همسایگان خود در اوگاندا، کنیا، تانزانیا و کنگو دارد و مذهب بیشتر اهالی مسیحی است؛ اگر چه هنوز هم برخی به خدای سنتی باستانی «گوکو» اعتقاد دارند. در ختان نقش مهمی در این دین دارند و حتی امروزه هم در بعضی از روستاها در ختان مقدس وجود دارد. مردم ما زندگی اجتماعی تودرتو دارند که توسط روسای قبیله اداره می‌شود اما اگر رفتار یا قضاوت آن‌ها راضی‌کننده نباشد، می‌توان حذف‌شان کرد. اختلافات خانوادگی و دیگر مشکلات به‌صورت دموکراتیک در داخل روستا حل می‌شود».

🕯 **هنوز از برده‌داری رنج می‌بریم**



کل جمعیت این قوم در سراسر جهان ۳۵۰ هزار نفر تخمین زده می‌شود. «جی‌جو» با گفتن این نکته به‌درگیری‌های سال‌های ۲۰۰۳ و ۲۰۰۴، با ارتش اتیوپی در ارتفاعات خبر می‌دهد و می‌گوید: «آن‌ها ما را می‌کشند چون جرئت کردیم در برابر تلاش‌شان برای تصرف سرزمین‌های مادریمان مقاومت کنیم. از نظر تاریخی، قبایل اتیوپیایی با پوستی روشن‌تر برای به‌دست آوردن برده به قبایل ما و اطراف‌مان حمله می‌کردند. جداز برده‌داری، زمین‌های کشاورزی حاصلخیز و ذخایر طلای ما هم باعث شده‌است تا سرزمین‌مان مورد علاقه دولت مرکزی برای توسعه اقتصادی و اسکان مجدد جمعیت باشد. به‌نظر من این‌ها هم میراث استعمار است که باعث شده این مردم به‌دو کشور اتیوپی و جمهوری سودان جنوبی تقسیم شوند. برده‌داری در اوایل قرن بیستم، وقتی گامبلا تحت سلطه بریتانیا قرار گرفت، لغو شد اما در زمان جنگ جهانی دوم با واگذاری این منطقه به اتیوپی، دوباره از سر گرفته شد. حتی پس از لغو رسمی برده‌داری، بسیاری از آنوواک‌ها به‌طور غیرقانونی روده‌و در خانه‌های حبشی محصور شدند. امروزه آنوواک‌ها همچنان به‌عنوان برده‌های «سیاه» تحقیر می‌شوند اما مردمی سرسخت هستند که در طول سال‌ها توانسته‌اند زبان و آداب و رسوم خود را در برابر سختی‌ها و فشارهای شدید زنده نگه دارند. این سرسختی همراه با توانایی‌شان در شکار و ماهیگیری به آن‌ها کمک می‌کند تا زنده بمانند. با این حال، آنوواک‌ها در اتیوپی همچنان در معرض خطرند. می‌گویند تاریخ اولیه و نظام سیاسی سنتی ما به حدود ۲۲۰۰ سال قبل از میلاد برمی‌گردد. در پایان باید بگوییم تاریخ ناپدید شدن و بردگی همراه با ساختار اجتماعی مبتنی بر زندگی خانوادگی، ما را به افراد خارجی بسیار بدگمان کرده‌است. ما فقط آرزوی زندگی در صلح داریم».

